



تجربه نزدیک آل پاچینو به مرگ

آل پاچینو فاش کرد که در طول کرونا تجربه نزدیک به مرگی را پشت سر گذاشته است. به گزارش مهر آل پاچینو، بازیگر مشهور که سال ۲۰۲۰ به ویروس کرونا مبتلا شده و تا پای مرگ رفته بود به تازگی از این تجربه صحبت کرده و در ساره‌ی تجربه‌ی نزدیکش به مرگ سخن گفته است. او گفت که به ویروس مبتلا شده بود و حال خوبی نداشت، بعد تب کرد و آب بدنش کم شد. بنابراین کسی را گرفت تا از او پرستاری کند ولی همان طور که در خانه نشسته بود، از حال رفت و دیگر نبض نداشت. در عرض چند دقیقه اورژانس رسید و شش امدادگر به او رسیدگی کردند و ناگهان صدای آن‌ها را شنید که گفتند برگشت، حالا اینجاست. این بازیگر ۸۴ ساله عنوان کرد که با افزایش سن، دیدگاهش نسبت به مرگ تغییر کرده و از بچه‌دار شدن و دانستن اینکه حجم عظیمی از کار هست که افراد پس از مرگش به آن بپردازند، تسلی می‌یابد.



پیگرد قانونی برای بهره‌برداری غیر مجاز از «خجالت‌نکش»

وکیل تهیه‌کننده فیلم سینمایی «خجالت‌نکش» خبر داد، «افرادی که به صورت غیرمجاز از این اثر هنری بهره‌برداری کنند، پیگرد قانونی می‌شوند.» الهه قادری، وکیل سیدامیر پروین حسینی، تهیه‌کننده فیلم «خجالت‌نکش ۱ و ۲»، با اعلام خبر پیگرد قانونی علیه افرادی که به صورت غیرمجاز از این اثر هنری بهره‌برداری کرده و می‌کنند به ایستنا گفت: «طبق ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، هرگونه نشر، پخش یا عرضه اثر بدون اجازه پدیدآورنده جرم محسوب می‌شود و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.» این وکیل در آستانه اکران آنلاین فیلم «خجالت‌نکش ۲» در فیلم‌نت با اعلام اینکه حکم یک‌سال‌ونیم حبس در انتظار این افراد است، گفت: «متأسفانه برخی پلتفرم‌های نمایش، بدون اجازه صاحب اثر، فیلم «خجالت‌نکش» را در سکوی نمایش خود قرار داده‌اند. این پلتفرم‌ها، گاه با حمایت گسترده دستگاه‌هایی که خود باید ناظر بر اجرای صحیح قانون باشند، بدون ایجاد پایش مناسب برای جلوگیری از پخش غیرمجاز آثار، باعث آسیب جدی به سرمایه‌گذاران سینمای ایران شده‌اند.»



فروش ناامیدکننده «جوکر ۲»

اولین اکران دنباله بحث‌برانگیز «جوکر» هرچند بر صدر فهرست فروش هفته جای گرفت، اما افتتاحیه ۴۰ میلیون دلاری آن بسیار ناامیدکننده بود. درحالی‌که پیش‌بینی فروش افتتاحیه «جوکر ۲» بین ۵۰ تا ۶۵ میلیون دلار برآورد شده بود - و پیش‌تر حتی احتمال فروش ۷۰ میلیون دلاری در اولین آخر هفته اکران این فیلم می‌رفت - «جوکر: جنون مشترک» کارش را با فروش ۴۰ میلیون دلاری آغاز کرد و نشان داد با فیلم قبلی خود، «جوکر» سال ۲۰۱۹ که رکورد فروش ماه اکتبر را با ۹۶/۲ میلیون دلار به‌نام خود کرده بود، فاصله زیادی دارد. این مشکل بزرگی برای کمپانی بردران وارنر است زیرا این دنباله با درجه‌آز با هزینه قابل توجه ۲۰۰ میلیون دلاری ساخته شده درحالی‌که فیلم اول با هزینه ۶۵ میلیون دلاری تولید شده بود. طبق گفته منابع آگاه، «جنون مشترک» برای اینکه ضرر نکند باید حداقل ۴۵۰ میلیون دلار بلیت بفروشد.



فیلم‌هایم بچه‌هایی مسئله‌دارند گفت‌وگو با یورگوس لانتیموس درباره‌ی فیلم‌ها و دنیای فیلمسازی‌اش

تصویر: AFP

شما فیلم‌هایی را در این دنیا می‌سازید و با مسائلی که به آن‌ها اشاره می‌کنید سروکار دارید، این نوعی عمل سیاسی است - یک نظر، یک اصرار برای پرسیدن سوال در مورد مسائل. به‌نظم اکثر فیلم‌هایی که سؤالات عمیقی دارند، به‌نوعی سیاسی‌اند.

کنجکاوم که چه چیزی جهان بینی کنجکاوانه‌ی لانتیموس را شکل داد.

او می‌خندد: «خب، این جهان‌بینی همچنان هر روز در حال شکل‌گیری است. یاد می‌آید وقتی در یونان بزرگ می‌شدم، هیچ‌وقت تصور نمی‌کردم که بتوانم فیلم بسازم - اصلاً و ابداً.»

لانتیموس، پسر یک مادر مغازه‌دار است و پدری که بازیکن حرفه‌ای بسکتبال بود. او قبل از این که تصمیم بگیرد کارگردان شود، تحصیلاتش را در مدیریت بازرگانی دنبال کرد. او با رفتن به مدرسه‌ی سینمایی و تلویزیونی هلنیک استواراکوس در زادگاهش آتن شروع به ساخت آگهی‌های بازرگانی، نماهنگ و فیلم‌های رقص کرد و مطمئن بود که هیچ‌وقت شانس این را نمی‌یابد که فیلم بلند بسازد.

او می‌گوید: «در یونان یک دهه قبل با بیشتر هیچ صنعت یا سنت فیلمسازی‌ای نبود. آنجا سه یا چهار فیلمساز خودکفا بودند که کار می‌کردند. اما نمی‌توانستی بودجه‌ای از جایی بگیرد. در نقطه‌ای گفتم: چرا ما دنبال کار خودمان نرویم و خودمان فیلم نسازیم؟ ما به چیز بیشتری نیاز نداریم. بیایید یک دوربین بگیریم. هزینه فیلم، لابراتوار و بعضی بازیگران را می‌پردازیم، جایی برویم و فقط چیزی فیلمبرداری کنیم. شق القمر که نمی‌کنیم؟ هیچ‌وقت تصور نمی‌کردم که مردم این چیزها را تماشا می‌کنند! فکر کردم که اگر چیزی را به دوستان‌مان نشان می‌دهیم و آن‌ها خوشحال می‌شوند یعنی کارمان را کرده‌ایم. بعد به آرامی، مردم شروع به ستایش از فیلم‌ها کردند و خیال من رنگ واقعیت گرفت و فکر کردم حالا می‌توانیم فیلم‌هایی برای امرا معاش بسازیم. نه در یونان - برای همین بعد از این که سه فیلم در یونان ساختیم، به انگلیس، به لندن رفتیم. اما شیوه‌ی کار همان بود.»

لانتیموس و همسرش آریان لایند بازیگر یونانی - فرانسوی (که هم در «آلپ» و «خرچنگ» بازی کرد)، در ۲۰۲۱ به آتن برگشتند اما به نظر می‌رسد که کارگردان در حال و هوای خانه‌اش در لندن است. درحالی‌که قهوه‌ی دیگری سفارش می‌دهیم، گوشی همراهم را چک می‌کنم تا ببینم که مکالمه‌مان دارد ضبط می‌شود. بابت این کار عذرخواهی می‌کنم. من همیشه هراس این را دارم که تکنولوژی دیجیتال دستم را در پوست گردو بگذارد. کمی احساس خجالت می‌کنم اما لانتیموس می‌گوید: «من هم همین‌طورم. برای همین است که فقط یک دکمه برای فیلمبرداری دوربین‌های قدیمی فیلم بگیرم! چند فیلم دیجیتالی گرفتم و واقعاً از این تجربه متنفرم.»

از او می‌پرسم چه چیز به‌طور خاص وجود دارد که لانتیموس را از فیلمبرداری دیجیتال متنفر می‌کند و جوابش به نظر می‌رسد.... «همه‌چیز» باشد!

او آهی می‌کشد: «من این روند را دوست ندارم. سر صحنه بودن و دیدن چیزهایی که شبیه یک سریال آبکی است روی مانیتور حواس را پرت می‌کند. تونمی‌فهمی که چه چیز را فیلم گرفته‌اند و بعد مجبوری با آن تصویر وحشتناک پس از تولید و در تدوین کنار بیایی. بعد وقتی فیلم را تمام می‌کنی تشنه‌ی این هستی که آن را به چیزی خاص تبدیل کنی و به‌جای لذت بردن از فرایند خلاقانه، روی زیبا جلوه دادن آن - افزودن بافت و تنظیم رنگ پوست - تمرکز می‌کنید. همچنین معتقدم، مردم می‌توانند احساس کنند که فقط یک دکمه برای فیلمبرداری فشار داده نشده بلکه اتفاقی ارزشمندتر در جریان است و من در این مورد بسیار سختگیرتر شده‌ام. یک تاریخ‌نگار ساخته‌ام؛ استودیویی در آن برای بهبود و چاپ فیلم‌هایم، درواقع طی

راضی نکرده بود و با لوحی خالی باز می‌گردد، تا بتواند دوباره شروع کند و آن زندگی را به دست آورد.»

«بیچارگان» توسط لانتیموس و فیلمنامه‌نویس تونی مک‌نامارا، از زمان مشهور ۱۹۹۲ آلاسدایر گری نویسنده‌ی اسکاتلندی اقتباس شده است. آلاسدایر نویسنده‌ای بود که هم جایزه‌ی ویت‌برد، هم جایزه‌ی داستانی گاردین را برای این کتاب برد. گاردین در سال ۲۰۱۹ این نویسنده را به‌عنوان «ریش‌سفیدرسانس در ادبیات و هنر اسکاتلند» توصیف کرد. در رمان «بیچارگان»، گری با ترکیب سبک‌های ویکتوریایی، داستان‌های مختلف و متضادی درباره‌ی زندگی بلا باکستر می‌گوید. در یک روایت می‌گوید که دکتر گودوین باکستر مغز زنی غرق شده را با جنین متولد نشده‌اش عوض کرده و یک بازیگرسال کودک‌مانند خلق کرده که هیچ حس درک اخلاقی ندارد، کسی که سفر اکتشافی بدون محدودیت را برای کشف خود آغاز می‌کند. از سوزی دیگر، چنین روایاتی به‌عنوان داستان‌های خیالی تلقی می‌شوند که بوی «مضامین تاریک و مریض‌گونه‌ی قرن نوزدهم» را می‌دهد و به‌طور عمدی از قسمت‌ها و عباراتی که در «قبر خودکشی» جمیز هوگ یافت می‌شود، به‌اضافه‌ی عناصری از آثار «مری شلی» و «ادگار آلن پو» کپی‌برداری‌هایی می‌شود.

لانتیموس برای اقتباس از رمان برای اولین بار در سال ۲۰۱۱ با گری تماس گرفت که در آن زمان نویسنده هیچ‌کدام از فیلم‌های او را ندیده بود. بنابراین پسر گری مجبور شد به او یاد دهد که چطور با دی‌وی‌دی پلی‌یر کار کند و این طور بود که او توانست «دندان نیش» را تماشا کند که از قرار معلوم خیلی آن را ستایش کرد. به گفته‌ی لانتیموس، او متعجب شده بود که چرا «بیچارگان» تا آن زمان در سینما اقتباس نشده بود. او هیجان‌زده می‌گوید: «این رمان فوق‌العاده است، بسیار سینمایی است، پیچیده است اما می‌توانی به وضوح یک فیلم را در آن ببینی. بنابراین همین که فهمیدم از این کتاب اقتباس نشده، به اسکاتلند رفتم تا با او ملاقات کنم و وقتی به آنجا رسیدم، او را دیدم که ژاکتی پوشیده و جلو در ایستاده بود. او گفت: دنبالم بیا! و خیلی سریع شروع به نشان دادن اطراف گلاسکو کرد. زیرا رمان در گلاسکو اتفاق می‌افتد و این دنیای او بود. بعد ما به خانه‌اش برگشتیم و او گفت: فکر می‌کنم که تو جوان با استعدادی هستی و خوشحال می‌شوم که بخوای از کتابم فیلم بسازی. بعد من سوار قطار شدم و به لندن برگشتم.

ما هیچ‌وقت بعد از آن واقعاً درباره‌اش صحبت نکردیم.» لانتیموس همچنین تصمیم بسیار مهمی گرفت تا «ببخشی از رمان را که مانند یک مقاله‌ی سیاسی - فلسفی درباره‌ی اسکاتلند و رابطه آن با انگلیس و جهان است» را کنار بگذارد. «فکر می‌کردم که این نمی‌تواند بخشی از فیلم باشد، هم از نظر این که نوعی مقاله‌ی فلسفی را به‌صورت عملی به فیلم تبدیل می‌کنم، هم این که من یک یونانی هستم و نمی‌توانم فیلمی درباره‌ی اسکاتلند بسازم. این کاملاً از نظر من ناپرخدانه بود.»

گری به‌عنوان مدافع پرافتخار سوسیالیسم و ناسیونالیسم اسکاتلندی، سیاست‌رایش خیلی مهم بود، کسی که از مشهورترین رمانش اغلب به‌عنوان «تمثیل سیاسی» یاد می‌شود. فیلم‌های لانتیموس مرتباً به موضوعات مهم‌رهایی شخصی و سرکوب‌های اجتماعی پرداخته‌اند (آین‌های نمایشی سوگواری «آلپ»، ۲۰۱۱، «ویژگی‌های تعیین‌کننده‌ی» شخصی اپوزرد «خرچنگ»)، اما در گذشته او به‌صراحت اعلام کرده است: «اگر می‌خواستم در مورد مسائل سیاسی یا اجتماعی صحبت کنم، نویسنده می‌شدم. اما من یک فیلمسازم و این تنها کاری است که می‌توانم انجام دهم.» دلم می‌خواهد بدانم که آیا این موضع تغییر کرده است - آیا او اکنون فیلم‌هایش را اصلاً سیاسی یا مجادله‌آمیز می‌بیند. «نه مجادله‌آمیز نیست، اما فکر می‌کنم به‌گونه‌ای آن‌ها سیاسی‌اند بدون این که ایدئولوژی خاصی را بیان کنند. وقتی



ترجمه: زینب کاظم‌خواه



خبرنگار گروه فرهنگ

«یورگوس لانتیموس» کارگردان یونانی و «اما استون» بازیگر آمریکایی، در همکاری با هم تیم قدرتمندی را تشکیل می‌دهند. از زمان همکاری این دو از کمدی سیاه «سوگلی» (۲۰۱۸) که ۱۰ نامزدی جایزه اسکار و هفت جایزه‌ی بفتا را به دست آورد، آن‌ها «بلیت» (Bleat) و فیلم بسیار مورد توجه «بیچارگان» را خلق کردند که «اما استون» در سه جایزه‌ی اسکار، بفتا و گلدن گلوب برنده‌ی بهترین بازیگر زن شد. آن‌ها همچنین همکاری‌شان را در «انواع مهریانی» ادامه دادند و تمام این آثار ثابت کرده که مشارکت آن‌ها بسیار سازنده است.

در «بیچارگان» که به‌عنوان یک «کمدی رمانتیک علمی-تخیلی پیچیده» توصیف شده است (و اصلاً عجیب نیست)، استون نقش بلا باکستر را بازی می‌کند - زنی دوباره متولد شده در قرن نوزدهم که تحت حکومت پدرمآبانه‌ی جراح فرانکشتاین‌مانند، گادوین باکستر (با بازی ویلم دفو) که او را «خدا» می‌نامد زندگی می‌کند و به نظر می‌رسد که او مغز نوزادی را به او داده است که به‌سریعت در حال رشد است.

درحالی‌که منتقدان برای تعریف عناصر عجیب‌وغریب فیلم با چالش مواجه‌اند («شیکاگو سان-تایمز» آن را «به‌طور عجیبی زنده... به‌طور بی‌شمرانه‌ای مبتذل» دانست، درحالی‌که «امپایر» آن را «کامل‌آمزخرف و تماماً کثیف» توصیف می‌کند)، استون به سادگی می‌گوید که این داستانی درباره‌ی یک زن است که «مجبور نیست با شرم کنار بیاید».

وقتی لانتیموس را در لندن ملاقات کردم، کمپین اسکار برای «بیچارگان» شتاب می‌گرفت و پس از برنده شدن شیر طلایی در جشنواره‌ی فیلم ونیز در سپتامبر، این فیلم پشت هم نامزد بسیاری از جوایز شد و جایزه‌های بسیاری را برد. با این حال لانتیموس که فیلم‌هایش «دندان نیش» (۲۰۰۹)، «خرچنگ» (۲۰۱۵) و «سوگلی» همگی توجه اسکار را جلب کرده بودند، به‌نظر می‌رسید با این همه تبلیغات پرسروصدا اصلاً آب در دلش تکان نخورده است. او بر خلاف خیلی از فیلم‌هایش، آرام، خون سرد و خوشروست.

یادم می‌آید که چندسال پیش «دندان نیش» را در شبکه‌ی چهار اکستریم سینما معرفی کردم. من از طنز «وهم‌آور و یخی» آن بسیار هیجان‌زده بودم اما همان‌زمان متوجه شدم که لانتیموس فیلم‌های سوال‌نا خود را توضیح نمی‌دهد. او یک‌بار گفت: «مردم همیشه سعی می‌کنند مرا وادار کنند دیدگاه آن‌ها را تأیید کنم و من این کار را نمی‌کنم.»

اما حالا در حالی‌که دارد قهوه‌اش را در هتل وست‌اند جرعه‌جرعه می‌نوشد، برای وارد شدن به بحث درباره‌ی این که «بیچارگان» واقعاً درباره‌ی چیست، مشتاق برای صحبت به نظر می‌رسد. می‌خواهم بدانم که آیا او با توصیف صریح استون از فیلم موافق است. او می‌گوید: «خب شرم چیزی است که ما عادت داریم در شرایط خاصی حس کنیم و شخصیت‌ها این حس را ندارند. او هیچ‌وقت نمی‌فهمد که شرم چیست، بنابراین کاملاً در بیان نظرات، افکار، عقایدش و هر چیز دیگر آزاد است.»

من توصیف خود‌شا را از فیلم به او یادآوری می‌کنم که «دریاره‌ی زنی است که شانس دوم دارد». او اکنون طرز ماهرانه‌ای این توصیف را طوری دیگری بازگو می‌کند: «او انسانی است که شانس در جهان دارد - کسی که به شیوه‌ای خاص برای درک جهان به‌شکلی خاص شکل‌نگرفته است. او شروع به تمیز کردن می‌کند، تا شروعی تازه داشته باشد و این کار به او دید بسیار آزادتری از موقعیت می‌دهد. او زنی ۲۸ ساله است که تا آن زمان، زندگی‌ای را زیسته که به وضوح او را